

International Standards Governing the Confiscated Properties Expenditure Ways Emanated from Transnational Crimes

(Type of Paper: Research Article)

Saleh Amiri¹, Amirsaeed Vakil^{2*}

Abstract

The confiscation of property that is derived from crime in various criminal procedures has always been used as an effective weapon, and, with the development of domestic and international criminal law policies, it has made varieties of ways to spend this kind of property. Procedures such as establishing special crime victim funds or re-social using from funds derived from the confiscation of property derived from crime have been seen in domestic and international instruments. The important point that should not be neglected in this process is the need to adapt these practices to human rights, which has been mentioned in both judicial and internal documents as well as in international instruments. The need to strike a balance between spending confiscation interests of crime-related property in ways that empower victims of crime, such as terrorist operations or the empowerment of societies that are mostly targeted at criminals in the domestic or transnational scope and respecting the rights of third parties with good faith and distinguishing between legal and illegal property must always be considered in the confiscation proceedings.

Keywords

Rights of Third Parties with Good Faith, Forfeiture, Confiscation, Expenditure Ways Confiscated Properties.

-
1. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Saleh.amiri@ut.ac.ir
 2. Assistance Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: vakila@ut.ac.ir
- Received: January 15, 2019 - Accepted: June 24, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

استانداردهای بین‌المللی حاکم بر شیوه‌های هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

صالح امیری^۱، امیرساعت وکیل^۲*

چکیده

در سیاست‌های کیفری نوین صرف اقدام به مصادره عواید ناشی از جرائم فراملی بدون درنظر گرفتن شیوه‌ای برای هزینه‌کرد این دارایی‌ها، رویکرد مناسبی برای استفاده حداکثری از این سازوکار کیفری تلقی نمی‌شود. در این زمینه در این پژوهش ابتدا سازوکارهای موجود برای هزینه‌کرد این اموال در حقوق کیفری بین‌المللی بررسی شده است. در حین این بررسی شیوه‌هایی مانند تسهیم و استرداد اموال مصادره‌شده که مختص جرائم فراملی‌اند، از شیوه‌هایی مانند تشکیل صندوق‌های حمایت از بزه‌دیدگان جرائم خاص یا بازاستفاده‌های اجتماعی از اموال به‌دست‌آمده از مصادره عواید ناشی از جرم که هم در جرائم ملی و هم فراملی قابل اعمال‌اند، تفکیک شده است. در مرحله بعدی پرسش عمده ما این بوده است که تعیین حدود این شیوه‌های هزینه‌کرد تحت لوای کدام معیارهای حقوقی قرار دارد. در پاسخ به پرسش مذکور می‌توان به معیارهایی همچون لزوم ایجاد موازنه بین هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرم با رعایت حقوق اشخاص ثالث دارای حسن‌نیت، احترام به اصول دادرسی منصفانه و همین‌طور دقت نظر در تفکیک بین دارایی‌های مشروع و نامشروع مرتبط با جرائم فراملی اشاره کرد.

کلیدواژگان

حقوق ثالث با حسن‌نیت، ضبط، مصادره، هزینه‌کرد اموال ناشی از جرم.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: Saleh.amiri@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: vakil.a@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

مقدمه

نهاد صادره اموال ناشی از جرم در نظام‌های حقوقی قدمت و قوام فراوانی داشته است، اما تا سال‌ها به کارگیری آن به اهدافی مانند محروم کردن مجرمان از عواید حاصل از جرم، سزادهی و اجتناب از بی‌کیفیری و در برخی موارد با رویکردی ترمیمی نسبت به خسارات حاصل از جرم، محدود مانده است. به مرور اما در بطن نظام‌های مذکور این مسئله در خصوص مصادره مطرح شد که صرف اقدام به مصادره رسالت قانون‌گذاران و مجریان قوانین را به پایان نمی‌رساند. حاکمیت باید پس از اقدام به مصادره سازوکاری نیز به منظور اداره اموالی که ناشی از مصادره عواید حاصل از جرم هستند، در اختیار داشته باشد.

با توجه به تنوع ذاتی اموالی که می‌تواند مورد مصادره قرار گیرد و تفسیر موسعی که از فروض محتمل جهت هزینه‌کرد آنها در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف ارائه شده است، اهمیت مقوله «مدیریت اموال مصادره‌شده»^۱ بیش از پیش به بذل توجه قانون‌گذاران نیاز دارد.^۲ تلاش دولت‌ها برای تدوین قوانین و تبیین هنجارها در خصوص این مقوله هنگام مواجهه با جرائم سازمان‌یافته فراملی که در مرزهای یک کشور محدود نمی‌شدند، پیچیدگی‌های فنی بیشتری را به وجود آورد. پیچیدگی‌هایی که از فقدان ادله انتساب جرم تا معاونت‌های ناآگاهانه در فرایند ارتکاب جرم‌هایی مانند پولشویی را شامل می‌شود (Boucht, 2017: 3). مباحثی مانند معاضدت‌های دوجانبه، نحوه هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده و سازوکارهای تسهیم^۳ این نوع اموال در عرصه جرائمی با عنصر فراسرزمینی، از جمله سؤالات جدیدی بوده‌اند که در عرصه حقوق بین‌الملل دولت‌ها با آن مواجه‌اند.

در این نوشتار به این پرسش پاسخ می‌دهیم که استانداردهای بین‌المللی حاکم بر شیوه‌های هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی کدام‌اند. به عبارت دیگر بر کشوری که اقدام به مصادره اموال حاصل از این جرائم می‌نماید چه تکالیف و حقوقی حسب حقوق بین‌الملل بار خواهد شد.

در ابتدا پس از ارائه تعریف اجمالی از مصادره بر مبنای اسناد بین‌المللی و با تأکید بر کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل، به این مهم می‌پردازیم که چه تعهدات و حقوقی در

1. Management Of Confiscated Assets

۲. توجه قانون‌گذار ایرانی بیشتر معطوف به نفس مصادره بوده و مقوله نحوه هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرم یا تابع نظامی سنتی بوده و با روند تغییرات آغاز شده در این زمینه در سطح بین‌المللی همخوانی ندارد (ر.ک: قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، ۱۳۶۹، ماده ۲) یا در جایی که قانون‌گذار در صدد طراحی نظام خاصی برای مدیریت این اموال بوده است، به معیارهای حقوق بشری مرتبط با این مقوله توجه کافی نداشته است (ر.ک: قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن، ۱۳۷۰، مواد ۲ و ۳).

3. Sharing

اسناد بین‌المللی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در این باره وجود دارد، و آیا بدون برطرف کردن نقصان نظام حقوقی کشور در خصوص مدیریت اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم، می‌توان از ظرفیت موجود در این کنوانسیون برای مدیریت اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی استفاده کرد یا خیر.

پس از آن با بررسی اسناد بین‌المللی موجود، به بررسی این مقوله می‌پردازیم که چه صوری برای نحوه هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده توسط دولت‌ها قابل تصور است. همچنین در خلال شیوه‌های مختلفی که از نحوه صرف این اموال در اسناد بین‌المللی مطرح می‌کنیم، به استخراج رویه عملی دولت‌ها در خصوص هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی می‌پردازیم و در انتها با بررسی برخی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر به معیارهای حقوق بشری که شیوه‌های هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده باید بر آنها منطبق باشند، اشاره خواهیم کرد.

تعریف مصادره و تبیین ماهیت آن

برای تعیین رژیم حقوقی حاکم بر مال مصادره‌شده باید ماهیت حقوقی عمل مصادره و حدود و ثغور آن را مشخص کرد. این مهم نیز در ابتدا نیازمند ارائه تعریفی است که از اسناد بین‌المللی مربوطه قابل استنباط می‌نماید. لغت مصادره مترادف‌های گوناگونی در فرهنگ حقوقی کشورهای مختلف دارد و در عمل گاه تمایز آن از دیگر مترادفات مشکل است. با این همه، این نابسامانی در اسناد بین‌المللی تا حد زیادی کاهش یافته است. در ماده ۲ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل^۱ که به تعاریف اصطلاحات مورد استفاده در کنوانسیون پرداخته، درباره مصادره آمده است: «محرومیت دائمی از اموال حسب دستور دادگاه یا دیگر مقامات صالح که ممکن است حسب مورد ضبط اموال^۲ را نیز شامل شود» (UNCAC, 2003: 2). تعریف کنوانسیون مقابله با جرائم فراملی سازمان یافته سازمان ملل متحد^۳ نیز عیناً مشتمل بر همان تعریفی از مصادره است که در کنوانسیون مبارزه با فساد آمده است (UNTOC, 2000: 2). تأکید بر دائمی بودن محرومیت از اموال از این رو اهمیت دارد که یکی از وجوه تمایز مصادره با

1. Confiscation

2. United Nations Convention Against Corruption, 2004, New York

3. Forfeiture

پ.ن: اصطلاح "Forfeiture" در مواردی مترادف با "Confiscation" تلقی شده و در برخی موارد در دو معنای متفاوت به کار رفته است. از جمله تمایزات مورد اشاره در ارتباط با اهداف مصادره در نوشتارهای برخی نویسندگان به چشم می‌خورد، که برای نمونه وقتی هدف از مصادره استفاده از مال مصادره‌شده در مصارف اجتماعی باشد، اصطلاح "Confiscation" را تجویز کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Allridge, Peter, "Smuggling, Confiscation and Forfeiture", *The Modern Law Review*, Vol. 65, No. 5 (Sep., 2002), pp. 781-791

4. United Nations Convention against Transnational Organized(2000)

توقیف^۱ را که فی الواقع موقتی بودن توقیف است، نمایان می‌سازد. به عبارت دیگر، در توقیف رابطه مالک با مال موردنظر به طور کلی قطع نمی‌شود، بلکه نقل و انتقال و دسترسی به آن در بازه زمانی محدودی، از بین می‌رود (2: UNCAC, 2003).

نکته دیگری که در اجزای تعریف کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد دیده می‌شود، عبارت «دیگر مقامات صالح»^۲ است. درج این عبارت از این رو مهم می‌نماید که مصادره در برخی سیستم‌های حقوق داخلی همواره متعاقب حکم محکومیت صادره از دادگاه صورت نمی‌گیرد. این مهم در بسیاری از نهادهای حقوقی بین‌المللی با قائل شدن به تمایز بین دو گونه از مصادره، یعنی مصادره بر مبنای حکم محکومیت یا مصادره کیفری^۳ و مصادره بر مبنای عدم محکومیت قطعی^۴ - مصادره اجرایی، تأمینی یا پیشگیرانه - پیش‌بینی شده است (Simonato, 2017: 365). در سال‌های اخیر صور تکامل‌یافته‌ای از مصادره پا به عرصه حقوق کیفری نهاده است که در آنها برای اقدام به مصادره به ارتباطات ضعیف‌تری نسبت به رویه‌های پیشین، فی‌مابین مال مورد مصادره و مرتکب جرم بسنده می‌شود، به نحوی که حتی ممکن است دارایی‌هایی که از جرم مورد ادعا برنیامده‌اند، هدف اقدام اجرایی قرار گیرند که در اصطلاح به آن «مصادره توسعه‌یافته»^۵ اطلاق می‌شود. همچنین ممکن است اموال متعلق به شخصی غیر از مجرم، در شرایطی خاص و در قالب «مصادره اموال ثالث» موضوع این عمل قرار گیرد.^۶ در برخی موارد ممکن است «مصادره مدنی یا غیر کیفری» در حالی صورت بگیرد که تعقیب کیفری علیه متهم حتی آغاز نیز نشده است.^۷

نسبت بین نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی در

خصوص مصادره اموال ناشی از جرائم فراملی

سیزدهمین نشست کارگروه اعاده اموال با موضوع تهیه پیش‌نویس اصول راهنمای مدیریت اموال توقیف و مصادره‌شده که بر مبنای قطعنامه ۷،۱ دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل که در ماده ۱۱ خود به مقوله مدیریت اموال مصادره‌شده می‌پردازد (UNODC, 2017: 11)، در می ۲۰۱۹ تشکیل خواهد شد. نشست مذکور به بررسی میزان انطباق عملکرد دولت‌ها با ملزومات اجرای تعهدات مندرج در بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون مبارزه با فساد در لزوم

1. Seizure
2. competent authority
3. Conviction based (criminal) confiscation
4. Non-conviction based (NCB)
5. Extended Confiscation
6. Third Party Confiscation
7. Civil Asset Forfeiture

پیش‌بینی سازوکاری جهت مدیریت اموال مصادره‌شده خواهد پرداخت (UNCAC, 2003: 11/3). سازوکار مذکور به تصریح ماده، از لحاظ موضوعی جرائم مندرج در کنوانسیون را پوشش خواهد داد، اما از لحاظ قلمرو صلاحیتی اثر وجود سازوکاری برای مدیریت اموال مصادره‌شده تنها به قلمرو داخلی دول عضو کنوانسیون محدود نمی‌شود. ماده ۵۵ کنوانسیون قواعد بسیار مفصلی را در خصوص همکاری‌های بین‌المللی در مورد مصادره اموال ناشی از جرائم فراملی موضوع کنوانسیون پیش‌بینی کرده است (UNCAC, 2003: 55) که به علت نقصان نظام حقوق داخلی در این مورد، امکان اجرای تعهدات مندرج در این ماده برای جمهوری اسلامی ایران که عضوی از کنوانسیون است، مقدور نیست. ماده ۵۶ کنوانسیون نیز نظام همکاری ویژه‌ای را در مورد اطلاع‌رسانی دولت مجری مصادره به دولت ذی‌نفع پیش‌بینی کرده است (UNCAC, 2003: 56) تا آن دولت بتواند حسب این اطلاعات درخواست استرداد اموال مربوط به قلمرو حاکمیتی خویش را ارائه کند، که متأسفانه به علت نبود نظام کارآمد مدیریت اموال مصادره‌شده در کشور، بهره‌مندی از ظرفیت‌های کنوانسیون در مواد مذکور برای کشور تاکنون مقدور نبوده است. اصولاً در جرائم فراملی به علت درگیر بودن قلمرو سرزمینی بیش از یک کشور در مقوله جرم، اموال ناشی از جرم نیز در بین قلمرو کشورها در حرکت خواهند بود و طبیعتاً مصادره آنان نیز ممکن است در کشوری غیر از کشور مبدأ اموال، صورت پذیرد.

این نکته، از دید کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم سازمان ملل^۱ نیز مغفول نمانده است. بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون مذکور از دول عضو می‌خواهد تا تمهیدات لازم را به منظور تسهیم اموال مصادره‌شده مابین کشور اقدام‌کننده به مصادره و کشوری که مبدأ اموال بوده است، اتخاذ کنند (CFT, 1999: 8). از این رو مشکلاتی که در اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون مبارزه با فساد در باب مدیریت اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی مندرج در آن کنوانسیون مانند پولشویی پیش روی نظام حقوقی کشور بوده است، در قالب کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم و در خصوص جرم تأمین مالی تروریسم نیز باقی خواهد ماند. نکته بسیار شایان توجه این است که هم مواد ۵۵ و ۵۶ کنوانسیون مبارزه با فساد و هم بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون تأمین مالی تروریسم، استرداد اموال مصادره‌شده در کشور دیگر را در صورت موافقت طرفین و بر مبنای همین مواد، بدون نیاز به موافقت‌نامه‌های دوجانبه معمول پیش‌بینی کرده‌اند، که این ظرفیت مهم با توجه به کثرت اعضای کنوانسیون‌های مذکور در عمل بسیار کارآمد است. نبود نظام جامعی برای مدیریت اموال مصادره‌شده ناشی از جرم در کشور نه تنها استفاده از این ظرفیت‌ها را غیرممکن ساخته و خسارات مالی هنگفتی به علت عدم توفیق در استرداد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی در خارج از مرزها را به کشور تحمیل کرده

1. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism(1999)

است، بلکه سبب شده است با تورم موافقت‌نامه‌های دوجانبه^۱ که هریک به طراحی سازوکار مدیریت اموال مجزا و بعضاً ناهمخوان نیاز داشته‌اند، سردرگمی و عدم شفافیت در رویه‌های مربوطه پدیدار شود.

صور محتمل هزینه کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی

پس از اینکه مصادره به‌نحوی از انحای توسط دولت صورت گرفت، سؤالی که پیش روی مقام مصادره‌کننده قرار می‌گیرد، شیوه و چگونگی مدیریت اموال مصادره‌شده است. نظام‌های حقوقی مختلف کوشیده‌اند به فراخور حال تدبیری به‌منظور صرف این اموال در راه‌های قانونی و معقول بیابند و در نتیجه این تلاش تا حدی رویه‌های تقنینی و اجرایی قابل دسته‌بندی نسبی شکل گرفته است. برخی دولت‌ها^۲، دست‌کم از نظر شکلی، مصادره اموال را مقوله‌ای جدای از سایر شیوه‌های کسب درآمد عمومی تعبیه‌شده در اصول بودجه‌ریزی متداول درنظر نگرفته‌اند، و برخی دیگر با رویکردی متفاوت کوشیده‌اند تا سازوکارهای متناسب‌تری با اهداف غایی مصادره اموال ناشی از جرم را پی‌ریزی کنند.

نوع دیگری از تقسیم‌بندی نحوه هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده، تقسیم بر پایه قابلیت اعمال شیوه‌های هزینه‌کرد در مورد عواید حاصل از جرائم فراملی است. به‌عبارت دیگر، برخی از شیوه‌های هزینه‌کرد مانند احتساب مال مصادره‌شده به‌عنوان درآمد عمومی اغلب در مورد جرائم داخلی موضوعیت خواهند داشت، برخی از شیوه‌های هزینه‌کرد مانند جبران خسارت بزه‌دیدگان جدای از فراملی بودن یا نبودن جرم ارتكابی در هر دو مورد موضوعیت دارد، و در نهایت برخی از صور هزینه‌کرد مانند تسهیم یا اعاده اموال، صرفاً در مورد جرائمی که قلمرو حاکمیتی بیش از یک کشور را درگیر می‌سازند، معنا خواهند یافت. بر این اساس به تفکیک شیوه‌های هزینه‌کرد براساس ملی یا فراملی بودن جرائم می‌پردازیم.

۱. شیوه‌های هزینه‌کرد نامتناسب با اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی

این شیوه‌ها ماهیتاً نمی‌توانند پاسخگوی تعاملات مورد نیاز بین کشورها برای هزینه‌کرد اموال به‌دست‌آمده از این نوع جرائم باشند. زمانی که دولتی اموال مصادره‌شده ناشی از جرم را در

۱. برای مثال در خصوص ماده ۵۶ کنوانسیون مبارزه با فساد ر.ک: ماده ۲ (پ) (۳) قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند، مصوب ۱۳۸۸/۶/۱ و بند ۲(ث) ماده ۱ قانون موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان، مصوب ۱۳۸۷/۵/۶.

۲. برای نمونه ر.ک: بند ۴ ماده ۴ قانون مجازات مواد مخدر سال ۱۳۷۶، جمهوری اسلامی ایران.

بودجه عمومی خود منظور می‌کند یا آن را به ارکان قضایی و اجرایی دخیل در مصادره تخصیص می‌دهد، امکان انتقال بخشی از این اموال به خارج از قلمرو حاکمیتی دولت از بین خواهد رفت، از این رو اعمال این شیوه‌های هزینه‌کرد در مورد جرائم فراملی باب تعاملات بین‌الدولی را مفتوح نگاه نخواهد داشت.

۱.۱. احتساب اموال مصادره‌شده ناشی از جرم به عنوان درآمد عمومی

برخی کشورها در رویکردی کلاسیک، تمایزی بین مال مصادره‌شده با دیگر اموالی که به انحای مختلف در اختیار دولت به منظور هزینه‌کرد عمومی قرار می‌گیرند، قائل نشده‌اند. قانون ۱۹۹۷ مجازات خلق چین، همین نگرش را اتخاذ کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز، در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، مصادره اموال را به نفع دولت تجویز کرده و فرض دیگری را در این باره متصور نشده است.^۲ این نحوه هزینه‌کرد اموال بر این استدلال استوار است که با عبور مال مصادره‌ای از سازوکارهای مدیریت و تخصیص بودجه، شفافیت و نظارت بر نحوه صرف آن نیز افزایش می‌یابد و نظارت عمومی بر این روند به شکل مطلوب‌تری میسر می‌شود.

در مقابل منتقدان این شیوه معتقدند که با انتقال این اموال به حیطه تصرف مطلق حاکمیت، روند دستیابی دیگر ذی‌نفعان احتمالی مانند بزه‌دیدگان جرم که خواستار جبران خسارت وارده هستند یا اشخاص ثالث دارای حسن‌نیتی که به نحوی منفعتی در این باره دارند، بر این اموال دشوار می‌شود (Hartman, 2012: 8). این معضل در مورد بزه‌دیدگان یا اشخاص ثالث ذی‌نفع در اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی جدی‌تر به نظر می‌رسد و دسترسی آنان را به منافع احتمالی خود اگرچه ناممکن، دست‌کم دشوار می‌سازد.

۱.۲. تخصیص دارایی‌های مصادره‌ای ناشی از جرم به ارکان قضایی و اجرایی مرتبط

در برخی کشورها با این توجیه که هزینه‌کرد اموال ناشی از جرم در راستای مبارزه مستقیم با آن، حاوی این پیام روشن به مرتکبان است که ثمره فعالیت آنان در جهتی معکوس اهدافشان به کار گرفته شده است، به تخصیص اموال مصادره‌شده مرتبط جهت خرید ادوات و آلات مورد نیاز نهادهای قضایی و اجرایی، صرف در راه تعقیب جرائم و ردیابی عواید حاصل از آن و هزینه‌هایی از این دست پرداخته شده است. برای مثال دولت کانادا بخش عمده‌ای از عواید حاصل از مصادره را، تحت لوای «قانون مدیریت اموال توقیف‌شده»^۳ خود، به هزینه‌هایی که در

1. Criminal law of the Peoples of Republic of China(1997), Part One, Chapter IV

۲. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۴)، ماده ۲.

3. Forfeited Property Sharing Regulations, promulgated under the Seized Property Management Act, Canada, 2018

بالا اشاره شد، تخصیص می‌دهد (4: 2018, FPSR). به این نحوه هزینه‌کرد انتقادهای درخور توجهی وارد است، زیرا سبب می‌شود تا نهاد اقدام‌کننده به مصادره خود در موضع ذی‌نفع قرار گیرد که این امر ممکن است به توسیع تفسیر وی از اختیاراتش یا عدم ملاحظات قانونی در امر مصادره منجر شود. از این رو این ارتباط مستقیم فی‌مابین یک ذی‌نفع با ابزار قانونی قهری و شخص موضوع حکم مصادره، دارای توجیه چندانی به نظر نمی‌رسد.

۲. شیوه‌های هزینه‌کرد قابل اعمال مشترک در اموال ناشی از جرائم داخلی و فراملی

با اینکه برخی از شیوه‌های هزینه‌کرد به‌منظور مدیریت اموال مصادره‌شده مربوط به جرائم داخلی شکل گرفته‌اند، اما مانعی جدی در راه تعمیم آنها به اموال ناشی از جرائم فراملی دیده نمی‌شود. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به جبران خسارت بزه‌دیدگان ناشی از جرم و تأسیس صندوق‌های اختصاصی به این منظور اشاره کرد.

۲.۱. تخصیص مال مصادره‌شده ناشی از جرم به صندوق‌های اختصاصی

قوانین برخی کشورها در تلاش برای تطبیق خود با اهداف نوین مطروحه در سیاست‌گذاری جنایی، مانند لزوم حمایت از بزه‌دیدگان یا مقولات مرتبط با توانمندسازی‌های اجتماعی در مقابله با جرائم سازمان‌یافته، اقدام به تأسیس صندوق‌های ویژه‌ای به‌منظور مدیریت هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده مرتبط با جرائم کرده‌اند.

در این زمینه برخی دولت‌ها یک صندوق کلی که اموال مصادره‌شده از تمامی جرائم را مدیریت می‌کند، تأسیس کرده‌اند و برخی دیگر اموال مصادره‌شده از جرائم محدودتر با نحوه هزینه‌کرد مشخص‌تری را مدنظر داشته‌اند. قانون جامع کنترل جرائم ایالات متحده^۱ صندوقی از نوع اول تأسیس کرده است.^۲ تمامی وجوه و دارایی‌های مصادره‌شده از جرائم چه در فرایند رسیدگی کیفری و چه تحت لوای مصادره‌های اجرایی، و همین‌طور تمامی اموال ناشی از جرائم که توسط ایالات مصادره شده‌اند، در اختیار این صندوق قرار می‌گیرد و صرف هزینه‌هایی مانند جبران خسارت قربانیان، هزینه‌های عملیات اجرایی مصادره، تحقیقات عمومی و در نهایت اداره خود صندوق می‌شود (34: 2017, UNODC). همچنین از مصادیق صندوق‌هایی که به مدیریت اموال مصادره‌شده ناشی از جرم با تأکید بر جرائم خاص‌تر و با اهداف مشخص‌تری می‌پردازند، می‌توان به صندوقی که با تأکید بر حمایت از بزه‌دیدگان جرائم تروریستی به تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ در فرانسه تشکیل شد، اشاره کرد. از سال ۱۹۹۰ این صندوق این امکان را فراهم ساخت

1. The Comprehensive Crime Control Act, United State, (1984)

2. Department of Justice Assets Forfeiture Fund

3. Fonds de garantie des victimes d'actes de terrorisme et d'autres infractions- F.G.T.I

تا صرف‌نظر از روند رسیدگی‌های قضایی، قربانیان جرائم تروریستی بتوانند خسارات وارد بر خویش را از محل این صندوق جبران کنند.

نکته جالب توجه دیگر در مورد این صندوق این است که ظرفیت قانونی آن را دارد تا به نمایندگی از قربانیان جرائم تروریستی، علیه مرتکبان این جرائم اقامه دعوا کرده و اموال آنان را به نفع خویش صادره کند (UNODC, 2015: 46). صندوق‌هایی از این دست در سطح اروپا، نه تنها به حمایت از بزه‌دیدگان جرائم داخلی می‌پردازند، بلکه بزه‌دیدگان جرائم فراملی را نیز حسب کنوانسیون‌های موجود^۱ در سطح اتحادیه اروپا مورد حمایت قرار می‌دهند، و از این منظر محدودیتی ندارند.

۲.۲. جبران خسارت بزه‌دیدگان جرائم

هدف اصلی هر اقدام کیفری این است تا نظم را که از طریق یک عمل ناپه‌نجار خدشه‌دار شده است، به صورت مجدد در جامعه هدف برقرار سازد (Tonry, 2006: 7). مدت‌هاست که حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که صرف تنبیه و ترهیب مجرم نمی‌تواند هدف غایی اعمال مجازات باشد و قانون باید با حمایت از بزه‌دیده به منظور برقراری دوباره نظم از دست‌رفته جامعه تلاش کند (Tonry, 2006: 7). جبران خسارت از بزه‌دیده نه تنها یکی از صور حمایت از وی، بلکه بنیادین‌ترین آنهاست.

در همین خصوص برخی اسناد بین‌المللی کوشیده‌اند تا اهمیت حمایت از بزه‌دیدگان جرائم فراملی در قالب جبران خسارات را نیز به دولت‌های مربوط یادآور شوند. کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل پس از آنکه در ماده ۲۵ خویش حق بر جبران خسارت قربانیان را به رسمیت می‌شناسد^۲، در بند ۳ ماده ۵۷ اولویت بازگشت عواید مصادره‌شده حاصل از جرم به کشور متقاضی استرداد را بر مبنای تخصیص این دارایی‌ها به مالکان قانونی یا جبران خسارت قربانیان جرم به رسمیت می‌شناسد (UNCAC, 2003: 57,3). بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی نیز عنوان می‌کند هنگامی که کشوری با درخواست استرداد اموال مصادره‌شده ناشی از جرم عضو دیگری از کنوانسیون مواجه می‌شود، باید در حدود مقرر در قوانین داخلی خود، بازگرداندن عواید حاصل از جرم یا اموال مصادره‌ای به کشور عضو درخواست‌کننده را در اولویت قرار دهد تا بدین ترتیب آن کشور بتواند خسارات وارده به قربانیان جرم را جبران یا عواید حاصل از جرم یا اموال مزبور را به صاحبان مشروع آنها بازگرداند (UNTOC, 2000: 14, 2).

1. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes (1983), Art(2)

۲. ماده ۳۵ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد اشعار می‌دارد: «هر کشور عضو، اقدامات ضروری را طبق اصل قانون داخلی خود اتخاذ خواهد کرد تا تضمین کند افراد یا واحدهایی که در اثر فساد متحمل زیان شده‌اند، حق دارند تا علیه اشخاصی که مسئول آن زیان هستند، به منظور دریافت خسارت، اقامه دعوا کنند.

در سطح اتحادیه اروپا نیز کنوانسیون در سال ۲۰۰۵ در خصوص «تطهیر، ردیابی، توقیف و مصادره اموال ناشی از جرائم و تأمین مالی تروریسم»^۱ به تصویب رسید که تصریح می‌کند چنانچه دولت عضوی حسب تقاضای دولت عضو دیگر اقدام به مصادره کند، باید در حدود قوانین داخلی درخواست استرداد اموال دولت متقاضی را اجابت کند، البته به شرطی که آن دولت بنا داشته باشد این اموال را در راستای جبران خسارت قربانیان جرم صرف کند (CLSCP, 2005:25,1). تمامی اسناد مذکور کوشیده‌اند سازوکاری برای جبران خسارت ناشی از جرائم فراملی را از طریق اموال مصادره‌شده ناشی از این جرائم تدارک ببینند.

۳.۲. بازاستفاده اجتماعی^۲ از اموال مصادره‌شده ناشی از جرم

پدیده جرم به‌طور کلی و جرائم فراملی به‌طور اخص تنها رابطه‌ای انحصاری بین بزه‌کار و بزه‌دیده نیستند. این جرائم در بستر فرهنگی-اجتماعی خاص برآمده از آن قابل تفسیرند و آثار خود را هم معطوف به همان زیست‌بوم‌های اجتماعی می‌کنند. در جرائمی مانند جرائم تروریستی، با مؤلفه‌هایی مانند بی‌گناهی محض بزه‌دیده، هراس از تکرار حادثه، میزان بالای قربانیان کودک و زن و همچنین غیرقابل اندازه‌گیری بودن آسیب‌های روحی و روانی قربانیان مواجهیم، که زدودن آثار آن از سطح جامعه مدت‌های مدیدی به طول خواهد انجامید (جلالی، ۱۳۹۵: ۷۴). مقابله با چنین آثاری ممکن نیست مگر اینکه جامعه توانمندی‌های لازم را به‌منظور مقابله با آن در سطح گسترده‌ای کسب کرده باشد. بدیهی است که این مهم مستلزم هزینه‌های مالی شایان توجهی است و جامعه حقوقی بین‌المللی به این امر روی خوش نشان داده است که می‌توان سازوکارهایی را تعریف کرد که طی آن بخشی از اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم، به‌خصوص جرائم سازمان‌یافته، بتواند در راه توانمندسازی جوامع هدف فعالیت مجرمان مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

کارگروه ویژه اقدام مالی^۳ که توصیه‌نامه شماره ۳۸ خود را به امر توقیف و مصادره اموال و همچنین نحوه هزینه‌کرد آنان اختصاص داده، در یادداشت تفسیری که بر این توصیه‌نامه ارائه کرده است، از دولت‌ها می‌خواهد که تمام یا بخشی از منابع حاصل از دارایی‌های مصادره‌شده ناشی از جرائمی مانند پولشویی و تأمین مالی تروریسم را، صرف تقویت حکمرانی قانون^۴، ارتقای سلامت جوامع در مواجهه با این جرائم، ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه و دیگر زمینه‌های مشابه کنند (FATF/Rec, 2018: 38). نظر به اینکه این جرائم در موارد کثیری

1. The Council of Europe Convention on Laundering, Search, Seizure and Confiscation of the Proceeds from Crime and on the Financing of Terrorism (2005)

2. Social reuse

3. The Financial Action Task Force (FATF)

4. Rule of law

مرزهای صلاحیتی بیش از یک کشور را دخیل می‌کنند، می‌توان قائل به این مسئله بود که توصیه‌نامه مذکور جرائم فراملی را نیز از نظر دور نداشته است. در عرصه قوانین داخلی نیز شماری از کشورها مانند ایتالیا و کلمبیا، که بیشتر از دیگران میزبان گروه‌های سازمان‌یافته مجرمانه بوده‌اند، نیاز خود به تأمین منابع مالی به‌منظور افزایش توانمندسازی‌های اجتماعی را از طریق به‌کارگیری اموال مصادره‌شده از مجرمان برطرف کرده‌اند. ایتالیا به‌عنوان کشوری که میزبان یکی از مشهورترین گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته^۱ یعنی مافیا بوده، مصداقی از این مدعاست، زیرا اموال مصادره‌شده از مافیای ایتالیایی به‌نحو گسترده‌ای صرف بازاستفاده‌های اجتماعی در زمینه آگاه‌سازی و مقابله با آنان شده است (UNODC, 2017: 41). کشور کلمبیا^۲ نیز به‌طور گسترده‌ای در قوانین خود صرف این اموال را در راه ارائه خدمات بهداشت روان، توانمندسازی‌های محیطی و حتی کمک مالی در تهیه زمین مسکونی به اقشار فرودست جامعه، پیش‌بینی کرده است.^۳ شاید این نحوه مدیریت اموال مصادره‌شده ناشی از جرم را بتوان یکی از برجسته‌ترین شیوه‌ها دانست، زیرا موجب می‌شود تا در درازمدت با تقویت زیرساخت‌های اجتماعی جوامع هدف، پیشگیری مؤثرتری در خصوص ارتکاب جرائم صورت پذیرد.

۳. شیوه‌های هزینه‌کرد مختص اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی

برخی از شیوه‌های هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرم، تنها در مورد جرائمی موضوعیت می‌یابند که حیطه صلاحیتی بیش از یک کشور را درگیر کنند. اعاده^۴ و تسهیم^۵ اموال مصادره‌شده از این جمله‌اند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۳.۱. سازوکار تسهیم اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی

در برخی از موارد مصادره، به عللی مانند قرار داشتن قربانیان جرائم فراملی در قلمرو صلاحیتی بیش از یک کشور یا تحمیل هزینه‌های اجرایی مصادره به یک کشور و واقع بودن مقصد نهایی مال مصادره‌شده در کشور دیگر، انصاف حکم می‌کند که مال مصادره‌شده به حسب مورد بین حداقل دو قلمرو صلاحیتی تقسیم شود. هزینه استرداد احتمالی اموال نیز گاه بسیار شایان توجه است. از طرفی تحمیل این هزینه‌ها به کشور محل مصادره دور از انصاف است و از طرف

1. Mafia

2. Colombia

3. Code on non-conviction-based forfeiture, Law No. 1849 from 19 July 2017, which modifies Law No. 1708 from 2014, Colombia, Atr22

4. Asset Recovery

5. Sharing

دیگر محروم کردن کشور متقاضی اعاده به طور کلی نیز عادلانه نیست. از این رو برنامه‌های اعاده اموال در تلاش‌اند تا هر چه بیشتر از لحاظ تأمین اعتبار خود بسنده^۱ باشند. یکی از راه‌های وصول به این هدف، تخصیص بخشی از منابع مالی صادر شده به برنامه‌های استرداد اموال مشترک است. برای مثال کشور فرانسه در قوانین خود چنین هدفی را به منظور هزینه کرد اموال صادر شده به رسمیت شناخته است.^۲

اسناد بین‌المللی در تلاش برای دستیابی به راه‌حلی منصفانه در موارد مذکور، سازوکار «تسهیم» اموال را بین کشورهای ذی‌نفع پیش‌بینی کرده‌اند. بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم، به کارگیری این سازوکار را در مواردی که نیاز به همکاری‌های این‌چنینی وجود دارد، به دول عضو پیشنهاد می‌کند (CFT, 1999: 8,3). کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل نیز در همین خصوص مقرر می‌دارد که در صورت اقتضا کشوری که از وی تقاضای مصادره صورت گرفته است، می‌تواند هزینه‌های معقول تقبل شده در موقع تحقیق، پیگرد یا دادرسی قضایی منجر به بازگشت یا تعیین تکلیف اموال را از مال مصادره شده کسر کند و مابقی را به کشور متقاضی مصادره مسترد دارد (UNCAC, 2003: 57,4). هرچند متأسفانه در قوانین کشور ما در این مورد سازوکار جامعی وجود ندارد و چنانکه ذکر شد، نیازهای حقوقی کشور در این مورد، از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه مرتفع می‌شود.

۳.۲. سازوکار استرداد اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی

یکی از اهداف مهم مصادره اموال در جرائم فراملی، اعاده آنها به صاحبان حق در ورای مرزهای کشور محل مصادره است. انجام این مهم بدون وجود سازوکارهای حقوقی متناسب بسیار دشوار و غیرمؤثر خواهد بود. از این روست که ماده ۱۴ کنوانسیون مبارزه با جرائم فراملی سازمان ملل متحد که به مقوله هزینه کرد عواید حاصل از جرائم فراملی اختصاص دارد، در بند ۲ از دول عضو می‌خواهد که استرداد اموال مصادره شده به کشوری را که خاستگاه اصلی آن اموال بوده است، در اولویت برنامه‌های هزینه کرد قرار دهند (UNTOC, 2000: 14,2). کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل نیز فصل پنجم خود را به تمامی به این مقوله اختصاص داده و در صدر ماده اول این فصل (UNCAC, 2003: 51)، استرداد اموال را از اصول اساسی کنوانسیون برشمرده است.

در آخرین گزارش کارگروه نظارت بر اجرای کنوانسیون در سال ۲۰۱۹ (UNODC/IRG, 2019: 3) نبود سازوکارهای لازم در حقوق داخلی کشورها که قابلیت انطباق با هزینه کرد اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی در قالب استرداد اموال را داشته باشند، از معضلات جدی مبارزه با جرائم فساد دانسته شده است. سازوکارهای پراکنده موجود در خصوص مدیریت اموال

1. Self-funding

2. Code of Criminal Procedure, French Republic, 2005, Arts. 706-713

مصادره‌شده در کشور ما، تدبیری به‌منظور همکاری‌های این‌چنینی با سایر دول عضو در خصوص جرائم فراملی نیندیشیده‌اند و ظرفیت کنوانسیون مبارزه با فساد برای مبنای استرداد قرار گرفتن در این مورد نیز، مغفول مانده است. از این‌رو استرداد عواید مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی تنها در صورت وجود موافقت‌نامه‌های دوجانبه قابل مبادله خواهند بود.

ضوابط حقوق بشری حاکم بر نحوه هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم

محرومیت دائمی که در عمل مصادره بر خاستگاه اولیه اموال بار می‌شود، و حتی نامشروع بودن این خاستگاه، مجوز عملکرد دلبخواهی و نقض حقوق بنیادین افراد در روند مصادره و به‌تبع آن در نحوه هزینه‌کرد مال مصادره‌شده نیست. از این‌رو نباید چنین انگاشت که چون یک رابطه ادعایی صرف بین مال مورد مصادره و مجرمان می‌تواند جوازی بی‌قیدوبند در راه هزینه کردن مال مورد مصادره باشد. از اولین معیارهایی که در جریان مصادره و صرف مال مصادره‌شده باید در نظر گرفت، لزوم تبعیت این فرایند از استانداردهای دادرسی عادلانه به‌طور کلی و اصول برخاسته از آن مانند پرهیز از تفسیر موسع و رعایت حقوق ثالث است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در موردی که دولت ایتالیا اقدام به‌نوعی مصادره اجرائی^۱ نسبت به برخی اموال با ادعای غیرقانونی بودن ساخت‌وساز آنها کرده بود، با توجه به مجوزهای صادرشده از مقامات محلی ذی‌صلاح، عمل دولت ایتالیا را متناقض با ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ که به مقوله قانونی بودن جرم و مجازات در رسیدگی‌های کیفری می‌پردازد، تلقی کرد (ECtHR, 2008: 25). این رأی مؤید این نظر است که نمی‌توان بدون تبعیت از هنجارهای حقوقی و خودسرانه اقدام به مصادره کرد و اموال ناشی از آن را در راهی هرچند شایسته هزینه کرد. در ادامه برخی از رویه‌های قضایی داخلی و بین‌المللی که به تبیین معیارهای حقوق بشری لازم به‌منظور رسیدگی به پرونده‌های مصادره اشاره می‌کنند، بررسی می‌شود.

۱. لزوم تبعیت فرایند مصادره و هزینه‌کرد اموال ناشی از آن، از معیارهای دادرسی عادلانه

گاه ماهیت نامشروع مال برآمده از مصادره دستگاه قضا را در برخی کشورها به این توهم دچار ساخته که می‌توان بدون تبعیت از معیارهای مقبول سایر دادرسی‌ها، به رسیدگی به چنین پرونده‌ای

1. Administrative Confiscation

2. European Convention on Human Rights, 1953, Article 7

پرداخت. این مشکل به تبع در مورد پرونده‌های مصادره ناشی از جرائم فراملی بیشتر رخ می‌نماید، زیرا رسیدگی به دارایی‌های متهمان به این جرائم بعضاً در حوزه صلاحیت قضایی کشوری غیر از کشور متبوع آنها صورت می‌پذیرد که این امر احتمال تضییع حقوقشان را افزایش خواهد داد.

در سال ۲۰۱۵، پرونده‌ای علیه دولت گرجستان به علت مصادره اموال یکی از ایالات خودمختار خود، در دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد رسیدگی قرار گرفت. خواهان مدعی بود که مصادره صورت گرفته خلاف ماده ۱ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص حفاظت از اموال است. دادگاه اما با رد این ادعا عنوان داشت: «دادگاه توازن عادلانه‌ای فی‌مابین روند اتخاذ شده در مصادره مذکور و منافع عمومی کشور در مبارزه با فساد در بخش خدمات عمومی می‌بیند. همچنین خواننده دعوا امکان اقامه دعوا و رسیدگی منصفانه را از خواهان سلب نکرده و دادگاه داخلی نیز رأی خود را بر بستر قوانین داخلی استوار ساخته و فراقانونی عمل نکرده است» (ECHR, 2015: 6). در این رأی بر لزوم بنا نهادن ساختمان مصادره بر پایه قوانین تصریح شده است، که در بطن خود اصل قانونی بودن مجازات و قبح عقاب بلابیان را نهفته دارد. مقام مصادره‌کننده نمی‌تواند به صورت سلیقه‌ای و بدون فراهم آوردن استدلال قانونی قابل اتکا اقدام به مصادره کرده و مال مصادره شده را صرف کند. همچنین نمی‌توان امکان اقامه دعوا و رسیدگی منصفانه را از فردی که مال مورد مصادره را در ملکیت یا تصرف دارد، سلب کرد. عدم رعایت هریک از این نکات می‌تواند به نامشروع بودن عمل مصادره و به تبع آن عدم امکان تصرف مال مورد مصادره منجر شود. توجه به این ظرایف به خصوص هنگام هزینه کرد دارایی‌های ناشی از جرم که در روند مصادره اجرایی یا مصادره‌ای بر پایه عدم محکومیت قطعی به دست آمده‌اند، بسیار ضروری است. در رویه داخلی کشورها نیز دقت نظرهایی از این دست دیده می‌شود. در «قضیه انجل»^۱ دادگاه اروپایی حقوق بشر در بررسی مشروعیت مصادره صورت گرفته به ماهیت جرم ارتكابی و تناسب جرم و مجازات ملازم با آن پرداخت که اساساً استانداردهای دادرسی عادلانه محسوب می‌شوند (Ivory, R, 2014: 150). از این رو می‌توان گفت که حساسیت بر رعایت معیارهای دادرسی عادلانه در این پرونده‌ها به هیچ وجه کمتر از موارد دیگر رسیدگی‌های قضایی نیست و پرداختن دادگاه‌ها به این مقوله نشان از همین عدم تمایز دارد.

۲. لزوم تفکیک بین دارایی‌های مشروع و نامشروع در فرآیند مصادره

شاخص دیگری که مقام مصادره‌کننده باید در طول انجام مصادره و همچنین صرف مال مورد مصادره در نظر داشته باشد، لزوم مرزبندی دقیق بین مال مشروع و دارایی ناشی از جرم است. صرف بهانه اختلاط مال مشروع و نامشروع ماهیت یکی از آن دو را به دیگری تغییر نمی‌دهد.

1. Engel judgment

کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل به دولت‌ها تأکید می‌کند که چنانچه عواید حاصل از جرم با اموال به‌دست‌آمده از منابع مشروع مخلوط شده باشد، مصادرهٔ چنین اموالی تنها به مقدار عواید حاصل از جرم مقدور خواهد بود (UNCAC, 2003: 31,5). به عبارت دیگر این اختلاط مال مشروع و نامشروع مصادره را ناممکن نمی‌سازد، اما حد مجازی را برای آن در نظر می‌گیرد که همان درصد نامشروع بودن مال است.

۳. لزوم وجود شفافیت در نگرش نظام‌های حقوقی نسبت به مصادره

هر سازوکار حقوقی داخلی یا بین‌المللی باید تکلیف خود را در ارتباط با نگرشش به ماهیت مصادره مشخص سازد و ابهام در مفهوم را دستاویزی در گریز از رعایت ضوابط در تعیین مصادیق قرار ندهد.

در انگلستان حسب «قانون عواید حاصل از جرم»^۱ که در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید، ماهیت مصادره به‌عنوان یک حق دینی که از طرف حاکمیت بر شخص بزه‌کار بار می‌شود، در نظر گرفته شد (Ulph, 2015: 252). از نتایج این نگرش به ماهیت مال مصادره‌شده این است که اولاً میزان مال مورد حکم مصادره ممکن است از هریک از دارایی‌های بزه‌کار تأمین شود، و ثانیاً تخریب یا انتقال مال مورد مصادره مانعی در راه اجرای حکم ایجاد نمی‌کند.

این نگرش در نگاه اول این معنی را القا می‌کند که در نگاه قانون‌گذار بریتانیایی مصادره نوعی جزای نقدی است، اما در ادامهٔ همین قانون به مقرره‌ای برمی‌خوریم که بر دادگاه تکلیف می‌کند تا طی یک برآورد منطقی و عقلایی مشخص سازد عواید حاصل از جرم تا چه حد بوده است و در این تخمین باید حتی مزیت‌های مالی غیرمستقیم، مانند مالیات‌های پرداخت‌نشده به‌علت قاچاق کالا نیز در نظر گرفته شود (POCA, 2002: S6,4). بدیهی است که بار کردن این تکلیف بر دادگاه با تلقی مصادره به‌عنوان یک جزای نقدی همخوانی چندانی ندارد. این سردرگمی قانون‌گذار به ماهیت مصادره زمینه را برای تبیین ماهیت آن دشوار می‌سازد و این مسئله ممکن است به تفاسیر دلبخواهی در رویهٔ قضایی منجر شود.

با درک معضلات ناشی از این ابهام کمیتهٔ قضایی مجلس اعیان^۲ این کشور سعی کرده است در هر جا که فرصت اظهارنظری دربارهٔ مصادرهٔ اموال ناشی از جرم رخ می‌نماید، معیارهای قابل اتکای مشترکی را در رویهٔ خود بر دستورهای مصادره بار کند که از جملهٔ این معیارها می‌توان به تلاش برای پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها که آیا مرتکب از رفتار مجرمانهٔ خود بهره‌مند شده است؟ اگر پاسخ این پرسش مثبت است، این بهره‌مندی به چه اندازه بوده است و اساساً در مرحلهٔ اجرا چه میزان از این عواید قابلیت اعاده را دارد؟، اشاره کرد (JCöHL, 2008: 17).

1. Proceeds Of Crime Act (POCA), U.K, 2002

2. Judicial Committee of the House of lords

شایان ذکر است که نبود ارتباط مستقیم بین مال مورد مصادره و جرم را همیشه نمی‌توان به عدم شفافیت و ارائه تفسیر نامعقول و موسع از مصادره منتسب کرد. برای مثال در قوانین کشور کانادا مصادره اموال و دارایی‌هایی که توسط گروه‌های تروریستی تحت مالکیت قرار گرفته یا کنترل می‌شوند، پیش‌بینی شده است (Davis, 2003: 184-193). هرچند سوءاستفاده‌های تفسیری در حیطه اجرا در این باره دور از ذهن نیست، اما قانون‌گذار عامدانه این دسته از اموال را در معرض مصادره احتمالی قرار داده است. مال در اینجا منشأ نامشروع نداشته و فعلیت مستقیمی نیز در صحنه ارتکاب جرم نخواهد داشت، اما صرف تصرف آن توسط مجرمان، که خود امکان موفقیت در ارتکاب جرم را تقویت می‌کند، قانون‌گذار را به واکنش برانگیخته است. واکنشی که بر پایه صیانت از امنیت ملی و منافع عمومی، چندان غیرقابل قبول به نظر نمی‌رسد.

۴. لزوم رعایت حقوق ثالث با حسن نیت پیش از اتخاذ تصمیم به منظور

هزینه کرد مال مصادره‌ای ناشی از جرم

در خلال شیوه‌های مرتبط با هزینه کرد اموال مصادره‌شده نباید فراموش کرد که تمام اشکال هزینه کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرم، حتی جبران خسارت قربانیان نباید به تضییع حقوق ثالث دارای حسن نیت، یا همان مالک مشروع دارایی‌ها منجر شود (Stoyanov, 2014: 14). به عبارتی وقتی مصادره در تزامن با یک مالکیت مشروع قرار بگیرد، نمی‌تواند واجد اثر حقوقی باشد و در نتیجه در همان حدود، اختیار هزینه کرد مال مورد مصادره نیز از مقام قضایی یا اجرایی سلب خواهد شد.

این مسئله به کرات در اسناد بین‌المللی مربوطه در خصوص اولویت‌های هزینه کرد مال مصادره‌شده مورد تأکید قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۵۷ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل تأکید دارد که گام بدیهی اولیه در هزینه کرد مال مصادره‌شده، بازگرداندن آن به مالکان قانونی آن دارایی است (UNCAC, 2003: 57,1). البته بدیهی است که این مقرر در جایی معنا می‌یابد که اموال عواید مستقیم و انحصاری ناشی از جرم نباشند و فرض مالک قانونی سابق بر آنان مصور باشد که ابزار و ادوات به کاررفته در جرم از این دسته‌اند.

کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم سازمان ملل که ماده ۸ خود را به مصادره و نحوه هزینه کرد اموال مصادره‌شده ناشی از تأمین مالی تروریسم اختصاص داده است، در بند ۵ بر این نکته تأکید می‌کند که اقدامات پیش‌بینی‌شده در چارچوب این ماده باید به نحوی اتخاذ شوند که ناقض حقوق ثالث با حسن نیت نباشند (CFT, 1999:8,3). در قانون مجازات مرتکبان قاچاق کشور در سال ۱۳۱۲ مقرره‌ای بدین مضمون وجود داشت که وسیله نقلیه به کاررفته در جرم را که متعلق به مرتکب نبود، تنها در صورتی قابل ضبط می‌دانست که مالک اصلی با علم به

استفاده از آن در ارتکاب قاچاق، وسیله نقلیه را در اختیار مرتکب گذاشته باشد. مفهوم مخالف این ماده لزوم عودت وسیله نقلیه به مالک فاقد سوءنیت و عدم امکان ضبط و در نتیجه مصادره آن را می‌رساند.^۱

در رویه قضایی نیز توجه به حقوق ثالث هنگام مصادره و هزینه‌کرد اموال مصادره‌ای در محضر دادگاه‌ها مغفول نمانده است. در جمهوری اسلامی ایران در رأی وحدت رویه شماره ۱۸ به ردیف ۵۹/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، آمده است که: «ضبط اموالی که از راه نامشروع به دست آمده، پس از تسویه دیون خواهد بود» (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). همچنین دستورالعمل دادستانی کل کشور در سال ۱۳۸۹، تضمین دسترسی ثالث به فرایند دادرسی منصفانه، در مورد اموال مصادره‌شده در جریان رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر را که بدون حضور ثالث بررسی شده‌اند، مورد تأکید قرار داده و حق اعتراض وی را برقرار دانسته است (ذبحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۰).

هرچند مصادره اموال ناشی از جرم، برخاسته از اختیار حاکمیت در اعمال قهری مجازات‌هاست، اما مانند سایر اعمال حاکمیتی از این دست نمی‌توان آن را اختیاری مطلق و خارج از موازنه حقوق بشری قلمداد کرد. صور مختلف هزینه‌کرد اموال مورد مصادره نیز تنها در صورتی مشروع است که در آن حقوق مالکان واقعی اموال و اشخاص ثالث با حسن‌نیت با دقت رعایت شده و طی دادرسی عادلانه‌ای که با احترام به حق بر مالکیت صورت گرفته است، در مورد آن اتخاذ تصمیم شود.

نتیجه‌گیری

اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی باید تحت لوای سازوکارهای حقوقی مشخصی مدیریت شوند تا ذی‌نفعان مربوطه هم در حیطه صلاحیت کشوری که اقدام به مصادره کرده، و هم در قلمرو کشور دیگری که محل وقوع تمام یا بخشی از جرم بوده است، بتوانند از این دارایی‌ها بهره‌مند شوند. برخی از شیوه‌های هزینه‌کرد مانند تخصیص دارایی‌های مصادره‌ای ناشی از جرم به ارکان قضایی و اجرایی مرتبط و یا احتساب اموال مصادره‌شده ناشی از جرم به‌عنوان درآمد عمومی، اساساً مناسب تعامل بین قلمروهای صلاحیتی بیش از یک کشور نیستند.

برخی دیگر از شیوه‌های هزینه‌کرد مانند تخصیص مال مصادره‌شده ناشی از جرم به صندوق‌های اختصاصی، جبران خسارت بزه‌دیدگان جرائم و بازاستفاده اجتماعی از اموال مصادره‌شده ناشی از جرم اگرچه به‌طور اختصاصی به‌منظور هزینه‌کرد اموال مصادره‌شده ناشی از جرائم فراملی ایجاد نشده‌اند، محدودیتی در به‌کارگیری آنها در این موارد وجود ندارد.

۱. قانون مجازات مرتکبان قاچاق، مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۸۱، ماده ۵۰، تبصره ۱.

کشوری که اقدام به مصادره می‌کند، می‌تواند نسبت به جبران خسارت بزه‌دیدگان یک جرم در ورای مرزهای خویش چه به صورت مستقیم و چه در قالب صندوق‌های اختصاصی اهتمام ورزد یا بخشی از اموال مصادره شده را صرف بازاستفاده در جوامعی کند که در قلمرو حاکمیتی وی قرار ندارند، اما قربانی جرم هستند یا زمینه ارتکاب بزه‌های فراملی در آنها بیشتر است. دسته آخر شیوه‌های هزینه کرد ماهیتاً زمانی موضوعیت می‌یابند که مرزهای بیش از یک کشور موضوع بروز جرم یا تأثیرات ناشی از آن باشند. از این شیوه در اسنادی بین‌المللی که به جرائم فراملی می‌پردازند، مانند کنوانسیون مبارزه با فساد یا کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم یاد شده است. استرداد اموال ناشی از جرم و تسهیم اموال بین کشوری که هزینه‌های مصادره را متحمل شده و کشوری که مبدأ اموال بوده یا قربانیان جرم در آن قرار دارند، شاکله اصلی این شیوه‌های هزینه کرد را تشکیل می‌دهد.

جدای از لزوم وجود سازوکاری به منظور هزینه کرد اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی، باید به این مسئله توجه داشت که شیوه‌های هزینه کرد این اموال باید منطبق بر استانداردهای حقوق بشری مربوطه باشند. این استانداردها در پرونده‌های مربوط در خصوص مصادره، تا حدودی توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر تبیین شده‌اند. عمده این استانداردها در زمینه تداخل هزینه کرد مصادره با معیارهای دادرسی عادلانه مانند لزوم رعایت حقوق ثالث با حسن نیت، پرهیز از تفسیر موسع و لزوم تفکیک بین دارایی‌های مشروع و نامشروع بوده است.

عضویت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد، تعهداتی را در راستای اجرای کنوانسیون در خصوص نحوه هزینه کرد اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی متوجه نظام حقوق داخلی کرده است که به علت نبود سازوکار منسجم در حقوق ایران در این زمینه، عملاً امکان ایفای مؤثر این تعهدات که اغلب در راستای تبادل اطلاعات دارایی‌ها، تسهیم اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی، استرداد این اموال و سایر همکاری‌های بین‌المللی مرتبطاند، وجود ندارد. از این رو بجاست که قانون‌گذار ایرانی با توجه به خلأ تقنینی در این زمینه از یک سو، و لزوم اجرای تعهدات برآمده از دل اسناد بین‌المللی مورد اشاره از سوی دیگر، و با در نظر گرفتن معیارهای حقوق بشری، به چاره‌اندیشی و ایجاد سازوکار منسجمی که امکان تعامل با سایر کشورها را در زمینه هزینه کرد اموال مصادره شده ناشی از جرائم فراملی مهیا سازد، کمر همت ببندد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ذبیحی، حسین؛ مظلومی، علیرضا (۱۳۹۵)، *اعتراض ثالث به ضبط و مصادره اموال*، تهران: مجد.
۲. محمدی، حمید (۱۳۹۰)، *ضبط، مصادره، استرداد و اخذ اموال حاصل از جرم*، تهران: گنج دانش.

ب) مقالات

۳. جلالی، محمود و دیگران (۱۳۹۵)، «جهانی شدن تروریسم و راهکارهای مؤثر در حمایت از بزه‌دیدگان آن»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۱۳.

ج) اسناد

۴. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۴)، روزنامه رسمی، ویژه‌نامه ۸۵۷ (۱۳۹۵).
۵. قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۶۹).
۶. قانون مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۱۲، نمایه‌شده در مرکز پژوهش‌های مجلس، ۹۲۸۰۴.
۷. قانون مجازات مواد مخدر سال ۱۳۷۶، جمهوری اسلامی ایران، اصلاح‌شده در ۱۳۹۶.
۸. قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند، مصوب ۱۳۸۸/۶/۱، نمایه در مرکز پژوهش‌ها، ۷۸۸۹۸۲.
۹. قانون موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان، مصوب ۱۳۸۷/۵/۶.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Boucht, johan (2017), *The limits of Asset Confiscation, on the Legitimacy of Extended Appropriation of Criminal Proceeds*, Hart Publishing, London.
2. G.Stessens (1997), *Money Laundering: A New International Law Enforcement Model*, Cambridge: Cambridge University Press.
3. Hand Book (2011), *Stolen Asset Recovery Initiative of The World Bank and UN office of Drugs and crime, Asset Recovery Handbook, A guide for Practice*, Vienna.
4. Hartman, Andreas (2012), *The Need For New Legislation Allowing Assets Confiscation To Be Used For Civil Society*, Brussels: European Parliament.,.
5. Ivory, Radha (2014), *corruption, Asset Recovery and The Protection Of Property*

In Public International Law, Cambridge: Cambridge University Press.

6. Mohammadi, Hamid, (2011), *Forfeiture, confiscation, recovery and collection of proceed of crimes*, Tehran, Ganj Danesh Press (In Persian).
7. Simonato , Michele (2017), *Confiscation And Fundamental Rights Across Criminal And Non-criminal Domains*, De Droit , Canada: Academy Of De Droit European.
8. Stoyanov, Alexander (2014), "disposal of Confiscated Assets in EU Member States, Law and Practices", London: Center for The Study of Democracy, University of Westminster,.
9. Ulph, Janet (2010), *Confiscation Order, Human Rights and Penal Measures*, London: Sweet & Maxwell.
10. UNODC(2015), *Good Practice in Supporting Victims of Terrorism Within the Criminal Justice Frame Work*, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna.
11. UNODC, (2017) *Effective Management and Disposal Of Seized and Confiscated Assets*, Vienna: United Nation Office on Drugs and Crime.
12. Zebhi, Hossein& Mazloomi Alireza, (2016), *Third party objection to Forfeiture and confiscation of property*, Tehran, Majd Press (In Persian).

B) Articles

13. Alldridge, Peter (2002), "Smuggling, Confiscation and Forfeiture", *The Modern Law Review*, , Law Department of the London School of Economics, Vol. 65, No. 5.
14. E,Davis, Kevin (2003), "The Effects of Forfeiture on Third Parties", *MC Gill Law Journal*, Vol 48.
15. H Nelen (2004), "Hit Them Where it Hurts the Most? The Proceeds of Crime Approach in Netherlands", *Crime Law and Social Changes*, Vol.41.
16. Jalali, Mahmood& Mosavi Zeinabsadat, (2016), "Globalization of terrorism and effective strategies to support its victims", *Journal of Criminal Law*, vol.13, pp. 73-99 (In Persian).
17. Tonry, Michael (2006), "Purposes and Functions of Sentencing", *Crime & Just.* 1.

C) Documents

18. (Code on non-conviction-based forfeiture), Law No. 1849 from 19 July 2017, which modifies Law No. 1708 from 2014, Colombia, Atr22
19. Australia Proceeds of Crime Act, 2002
20. Code of Criminal Procedure, French Republic, 2005
21. Criminal law of the Peoples of Republic of China(1997)
22. Drug Punishment Law of 1997, Islamic Republic of Iran, amended in 2017 (In Persian).
23. European Convention on Human Rights,1953
24. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes(1983)
25. Forfeited Property Sharing Regulations, promulgated under the Seized Property Management Act,Canada, 2018
26. Honduras Asset Forfeiture Act, published through Decree No. 27-2010, modified by Decree No. 51-2014
27. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999.

28. Law on Bilateral Legal Assistance Agreement in Criminal Matters between the Government of the Islamic Republic of Iran and the Government of the Republic of India, approved on 1/6/2009, *index in the Research Center*, 788982 ([In Persian](#)).
29. Law on Combating the Financing of Terrorism (2015), *Official Gazette, Special Issue 857 (2016)* ([In Persian](#)).
30. Law on Punishment of Disruptors in the Economic System of the Country (1990) ([In Persian](#)).
31. Law on Punishment of Drug Traffickers, approved on March 20, 1961, *indexed in the Parliamentary Research Center*, 92804 ([In Persian](#)).
32. Law on the Agreement on Legal Cooperation in Civil and Criminal Matters between the Government of the Islamic Republic of Iran and the Government of the Republic of Armenia, approved on 2008 ([In Persian](#)).
33. Proceeds Of Crime Act (POCA), U.K, 2002
34. The Comprehensive Crime Control Act, United State,(1984)
35. The Council of Europe Convention on Laundering, Search, Seizure and Confiscation of the Proceeds from Crime and on the Financing of Terrorism (2005)
36. The FATF Recommendation, Updated October 2018, Rec/38
37. The Nations Convention against Transnational Organized Crime (UNTOC) (2000)
38. U.K, Misuse of Drugs Act, (1971)
39. United Nations Convention Against Corruption, 2004, New York
40. UNODC, Implementation Review Group(2019),V.19-01601,
41. UNODC,(2017), Resolution 7/1, Strengthening mutual legal assistance for international cooperation and asset recovery.

D) Judgments

42. European Court of Human Rights , Bocellari And Rizza V.Italy, No 399/02, 13.11.2007
43. European Court of Human Rights , Gogitidze and Others v. Georgia , 2015, ECHR 158 (2015), press release, p.6
44. European Court of Human Rights , m Sud Fondi Sl V.Italy, No 399/02, 13.11.2008
45. European Court of Human Rights , Vrvara V.Italy, No.17475/09, 29.10.2013
46. Judicial Committee of the House of lords (2008)1 . A.C 1046
47. Judicial Committee of the House of lords, (2008)1. A. C.1028